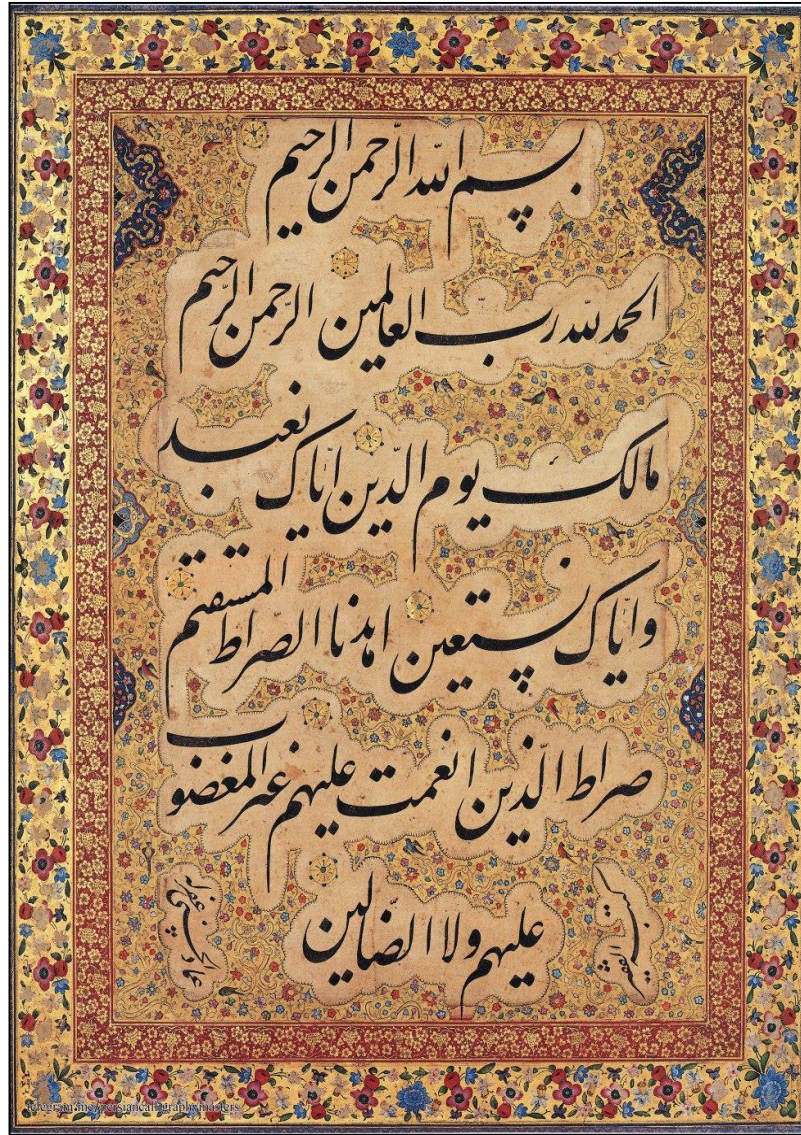


خوشنویسی شناسی
CALLIGRAPHOLOGY

حمیدرضا افسری
HAMIDREZA AFSARI

2018 / ۱۳۹۸



خوشنویسی شناسی^۱

حمیدرضا افسری^۲

چکیده: «خوشنویسی» (Calligraphy)، هنر زیبانویسی است. خوشنویسی، هنری کهن است و تقریباً در تمام فرهنگها به چشم می‌خورد و در سنت ایرانی، از قدمتی دیرینه و جایگاهی رفیع برخوردار است و شاهکارهای هنری و آثار نفیسی به‌دست خوشنویسان برجسته ایرانی در ادوار مختلف تاریخ خلق شده است. در عصر حاضر نیز پژوهشهای ارزشمندی در حوزه خوشنویسی انجام گرفته، اما هیچ‌گاه از منظر یک علم به خوشنویسی نگریسته نشده است. امروزه دیگر شایسته نیست که تنوع و گستردگی هنر خوشنویسی، این هنر تقریباً جهانی، را نادیده بگیریم و محدوده نگاه خود را در حد یک هنر بومی تنزل دهیم و تمامی عرصه‌های خوشنویسی را صرفاً تحت هنری سنتی مطالعه کنیم. اما آیا علمی را می‌توانیم تصور کنیم و از رهیافت آن به ارزشهای هنری و زیبایی‌شناختی خوشنویسیهای مختلف بی‌بیریم؟ این مقاله می‌کوشد تا به این پرسش، پاسخ مثبت دهد. از نظر ما می‌توان دانشی را فرض کرد که در آن از قواعد و ویژگیهای مشترک بین خوشنویسیهای مختلف (اسلامی، ایرانی، چینی، ژاپنی، لاتین و...) بحث می‌شود که می‌توان بدان «خوشنویسی شناسی» (Calligraphology) عنوان داد؛ به عبارت دیگر، خوشنویسی شناسی علم مطالعه روشمند خوشنویسی است. این مقاله شامل سه بخش: مقدمه، خوشنویسی شناسی و نتیجه‌گیری است.

کلیدواژگان: خوشنویسی؛ خوشنویسی ایرانی و اسلامی؛ خوشنویسی چینی و ژاپنی؛ خوشنویسی لاتین؛ زیبایی‌شناسی خوشنویسی.

بخش یکم - مقدمه

ایران سرزمینی کهن است. خط و خوشنویسی نیز در ایران از پیشینه‌ای تاریخی برخوردار است. سنت خوشنویسی در ایران، دست‌کم از دوره هخامنشی آغاز شده^۳ و در دوره اسلامی تا به امروز، به طور جدی ادامه یافته است. همچنین ایرانیان نقش مؤثری در تکامل و ترویج خوشنویسی اسلامی داشته‌اند.^۴ در دوره معاصر نیز، هنرمندان ایرانی از

۱. این مقاله در تهران، در ۱۳۹۸/۱۱/۹ش (سالروز شهادت حضرت فاطمه (س))، به شکل الکترونیکی، منتشر شده است. نیز آقای دکتر حمیدرضا قلیچ‌خانی مقاله را پیش از انتشار ملاحظه کردند و تذکرات مفیدی دادند که از ایشان تشکر و قدردانی می‌کنم.

۲. پژوهشگر و خوشنویس (hr. afsari@gmail.com).

۳. برای اطلاع بیشتر از خوشنویسی در ایران باستان (نک: سمسار، «خوشنویسی در ایران»، ج ۲۳، ص ۱۹۷ به بعد).

۴. نک: سمسار، همانجا؛ افسری، «خوشنویسی در شبه قاره» و «خوشنویسی در عثمانی»، جاهای مختلف.

پیشگامان نقاشی‌خط بوده‌اند. مقاله حاضر، که از دانشی جدید در خوشنویسی سخن می‌گوید نیز گامی دیگر در امتداد همان کوششها است.

پیش از ورود به بحث اصلی خوشنویسی‌شناسی، بایسته و شایسته است که به بیان توضیحات مقدماتی و واکاوی برخی از مفاهیم ضروری پردازیم. نخست به نمودار ذیل توجه کنید:

زبان ⇨ زبان‌دان

زبان‌شناسی ⇨ زبان‌شناس

توضیح اینکه: در جهان زبانهای مختلفی وجود دارد؛ مانند، زبان فارسی، زبان عربی، زبان انگلیسی، زبان فرانسوی و...؛ و افرادی را که به یک زبان تکلم می‌کنند، زبان‌دان (مثلاً فارس‌زبان، عرب‌زبان و...) می‌گویند. اما «زبان‌شناسی» متفاوت از «زبان» است. زبان‌شناسی یک دانش است که به مطالعه و بررسی روشمند زبان می‌پردازد و شخصی که در این مسیر گام می‌نهد و می‌کوشد را «زبان‌شناس» می‌گویند. البته که زبان‌شناس، زبان‌دان هم هست! یعنی ممکن است به یک یا چند زبان مسلط باشد.

اما در مورد خوشنویسی، چنین دانشی وجود ندارد؛ به عبارت دیگر در خوشنویسی نمودار بدین گونه است:

خوشنویسی ⇨ خوشنویس

به توضیح بیشتر، ما همیشه با هنر خوشنویسی و هنرمند خوشنویس، ارتباط داشته‌ایم و هیچ‌گاه مانند زبان‌شناسی، از منظر یک علم به خوشنویسی نپرداخته‌ایم. بنابراین با توجه به گستردگی و تنوع خوشنویسیهای مختلف (اسلامی، ایرانی، چینی، ژاپنی، لاتین و...) ضرورت ایجاد چنین دانشی احساس می‌شود. به عبارتی دیگر، علم خوشنویسی‌شناسی می‌کوشد تا با بررسی خوشنویسیهای مختلف، وجوه مشترک آنها را بیابد و به شکلی روشمند ارائه دهد و راه را برای درک بهتر هنری و زیبایی‌شناختی آثار خوشنویسی بگشاید. بنابراین با فرض ایجاد چنین دانشی و هویت‌دهی به آن، می‌توان به نمودار ذیل دست یافت:

خوشنویسی ⇨ خوشنویس

خوشنویسی‌شناسی ⇨ خوشنویس‌شناس

به بیانی دیگر، خوشنویسی‌شناسی همچون زبان‌شناسی یک دانش است با این تفاوت که اولی به مطالعه روشمند خوشنویسی و دومی به مطالعه روشمند زبان می‌پردازد.

شاید این پرسش به ذهن برسد که آیا برای مطالعه دیگر هنرها هم می‌بایست یک علم ایجاد کرد؟ اگرچه این پرسش ارتباط ماهوی با موضوع بحث ما ندارد، اما در پاسخ می‌گوییم که، اولاً دغدغه ما خوشنویسی است که تاکنون به شکل سنتی تداوم یافته است؛ ثانیاً نباید از پیدایش علوم جدید در اثر ضرورت هراسید؛ ثالثاً اگر این ایراد وارد باشد، پس به علم زبان‌شناسی هم وارد است، درحالی که فایده این علم امروزه بر کسی پوشیده نیست.

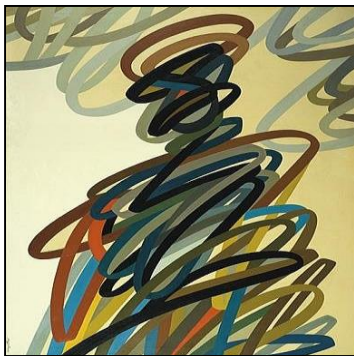
بعد از گذار از این مقدمه و درک ضرورت خوشنویسی‌شناسی و پیش از ورود به بحث اصلی، توضیح سه اصطلاح «زبان»، «خط» و «خوشنویسی» ضروری است:

زبان (Language)، یک سیستم قراردادی منظم از آواها یا نشانه‌های کلامی یا نوشتاری بوده که توسط انسانها متعلق به یک گروه اجتماعی یا فرهنگی خاص برای نمایش و فهم ارتباطات و اندیشه‌ها به کار برده می‌شود.

خط (Writing)، وسیله‌ای برای ثبت و نوشتن ذهنیات و تفکرات با استفاده از علایمی است که به چشم آشنا باشد و دیده شود.

لازم به توضیح است که برخی از خوشنویسی‌پژوهان برای نگارش یک دوره تاریخ خوشنویسی، مباحث و مطالب خود را ابتدائاً از پیدایش «خط» آغاز کرده‌اند، سپس به هنر «خوشنویسی» پرداخته‌اند.^۵ حال پرسش این است که رابطه خط و خوشنویسی چگونه است؟ مرز بین خط و خوشنویسی کدام است؟ آیا پژوهش در حوزه خوشنویسی مستلزم پژوهش در حوزه خط است؟ چه کسانی متولی پژوهش در حوزه خط هستند؛ زبان‌شناسان؟ یا خوشنویسی‌شناسان؟ آیا اساساً نیاز هست رشته جدیدی به نام «خط‌شناسی»، به وجود آید و افرادی به عنوان «خط‌شناس»، در این حوزه تبحر یابند؟! در بحث بعدی خواهیم دید که خوشنویسی در بُن و ریشه خود، به خط نیازمند است.

خوشنویسی (Calligraphy)، هنر زیبانویسی است. به عبارت دیگر، نوشتن همراه با خلق زیبایی است. بنابراین یک اثر خوشنویسی می‌بایست از یک سو به یک نشانه خطی (حرف یا کلمه یا جمله) متصل باشد و از سوی دیگر، دارای جنبه‌های هنری و زیبایی‌شناختی باشد. از این رو، اگر اثری تنها دارای جنبه‌های هنری و زیباشناسانه باشد، ولی به یک نشانه خطی ختم نشود، نمی‌توان آن را در زمره اثر خوشنویسی قرار داد و لذا در محدوده مطالعات خوشنویسی‌شناسی نمی‌گنجد. برای نمونه، تصاویر زیر آثاری هنری اند که در آن، مجموعه‌ای از خطوط تودرتو در یک بستر هنری در کنار هم چینده شده است، ولی چون به هیچ نشانه خطی ختم نمی‌شوند، نمی‌توان آنها را در زمره یک اثر خوشنویسی به حساب آورد.



اثر: کوروش شیشه‌گران ←



اثر: عباس رفیعی‌فراهانی ←

۵. برای نمونه، نک: ایرانی، پیدایش خط و خطاطان؛ فضایی، اطلس خط.

اما آثار زیر را با توجه به ویژگیهایی که در فوق بیان شد، می توان در زمره خوشنویسی گنجانند:

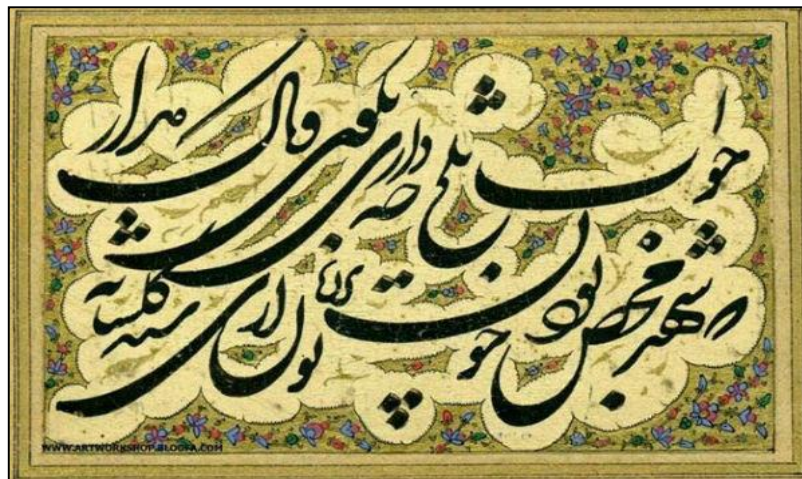


اثر: حمیدرضا فلیح خانی ←



اثر: محمد احصانی ←

بنابراین یک اثر خوشنویسی در بُن و ریشه خود به خط نیازمند است. از این رو مطالعات مربوط به خوشنویسی را می بایست چندی پس از پیدایش خط آغاز نمود. به عبارت دیگر، خوشنویسی مرحله تکامل یافته خط است. البته گاهی میل به زیبایی در خوشنویسی موجب می شود که هنرمندان پا را از چهارچوب اولیه خطوط فراتر نهند و تغییراتی را به سلیقه هنری خود در خطوط ایجاد کنند. برای نمونه، میل به زیبایی در قلم شکسته نستعلیق که از جدیدترین گونه های خوشنویسی اسلامی و سومین گونه از خوشنویسی ایرانی است که در اوایل سده یازدهم هجری قمری ابداع شده، تا آنجا کمال یافت که مفردات و مرکبات آن تغییر یافت و تا اندازه ای از شکل اولیه خط فارسی فاصله گرفت.



نمونه ای از قلم شکسته نستعلیق
به قلم سید گلستانه ←

بخش دوم - خوشنویسی شناسی

بعد از معرفی اجمالی خوشنویسی شناسی، اینک به اصطلاحات این دانش جدید می پردازیم؛ لازم به ذکر است که این مقاله فتح بابی در زمینه خوشنویسی شناسی است و با تأمل در خوشنویسیهای مختلف می توان بر شمار این اصطلاحات افزود و چه بسا بتوان نامها یا تعریفهای دقیقتری برای اصطلاحات مقاله حاضر برگزید.

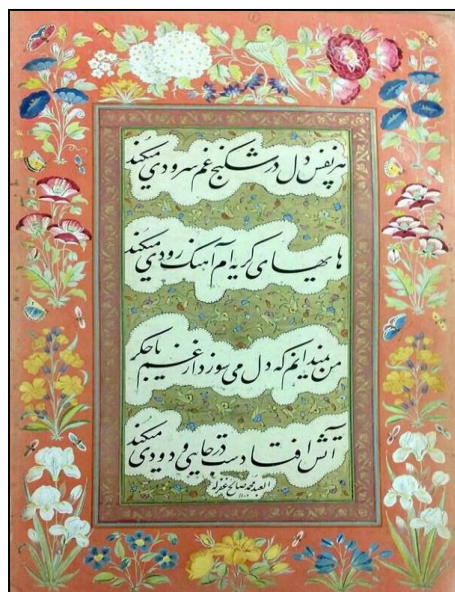
وجه خط و غیرخط: هر اثر خوشنویسی از دو وجه «خط» و «غیرخط» تشکیل شده است. مثلاً در تصویر زیر، عبارت

شعر: «هر نفس دل در ...»، وجه خط محسوب و مابقی اثر، یعنی تزئینات

آن (گل اندازیهای ریزالوان، دندان موشی، تسمه اندازی، تذهیب و ترصیع

حاشیه)، وجه غیرخط محسوب می شوند. در آثار خوشنویسی حجمی،

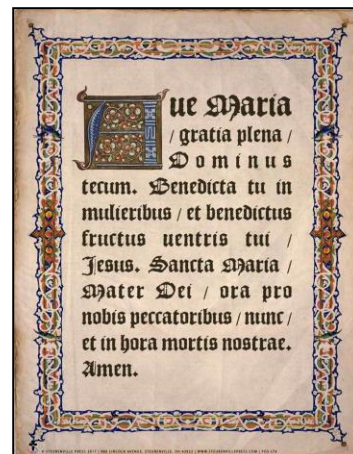
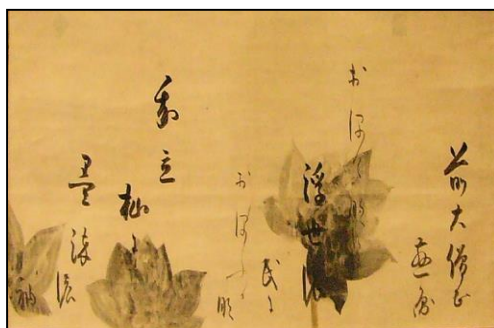
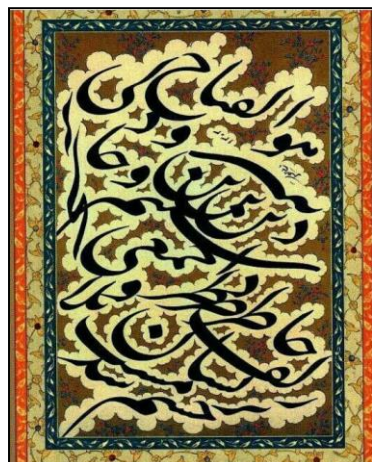
فضا وجه غیر خط محسوب می شود.



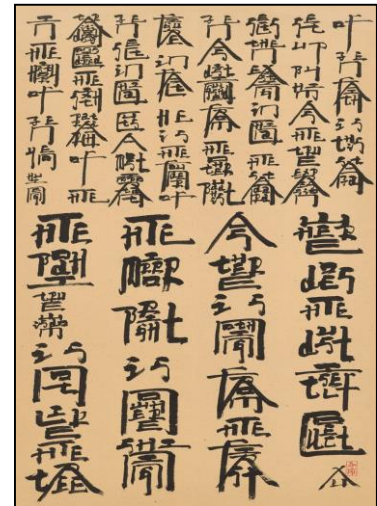
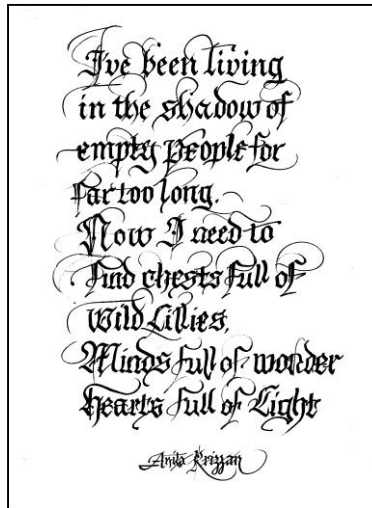
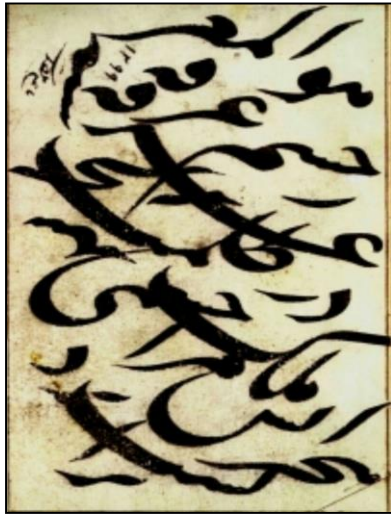
اثر: محمد صالح اصفهانی ←

تناسب: نسبت بین وجه خط و وجه غیرخط در یک اثر خوشنویسی را «تناسب» (Harmony) گوئیم. اگر وجه خط و غیرخط در یک اثر خوشنویسی به طور یکسان و یکنواخت در برابر هم قرار گیرند، بدان «تناسب همگن» گوئیم.

مانند آثار ذیل ↓



چنانچه وجه خط و غیرخط در یک اثر خوشنویسی به طور غیر یکنواخت در برابر هم قرار گیرند و یکی بر دیگری چیرگی و غلبه یابد، بدان «تناسب ناهمگن» گوئیم؛ برای تناسب ناهمگن دو حالت متصور است. گاهی وجه خط بر وجه غیرخط غلبه می یابد؛ مثل نمونه های ذیل ↓

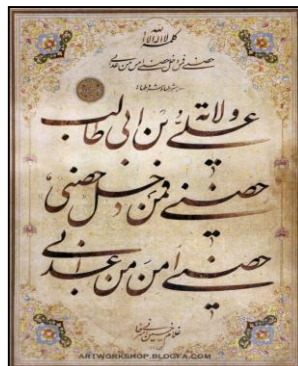


گاهی وجه غیرخط بر وجه خط غلبه می یابد؛ مثل نمونه های ذیل ↓

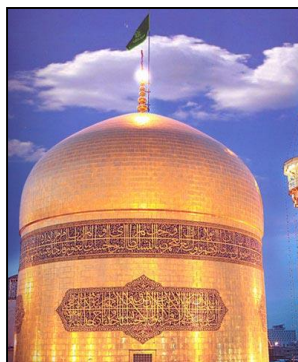


عرصه: آنچه که خوشنویسی در آن مجال ظهور و بروز یابد. عرصه ممکن است پوست بدن حیوانات و انسان، کاغذ، بوم نقاشی، پارچه، فلز، سنگ مرمر، کاشی، چوب، دیوار و ... باشد. ناگفته نماند که عیار خوشنویسی و نفاست اثر

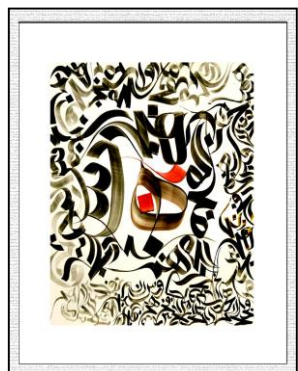
هنری، امری علی حده بوده، و تردیدی نیست که اثری که توسط یک خوشنویس سرشناس بر روی کاغذ یا بوم خلق شده، دارای ارزشی ممتازتر از اثری است که از یک خوشنویس گمنام بر روی برگ خشک درخت نقش بسته است. مثال برای عرصه های مختلف، نک: نمونه های ذیل ↓



کتیبه های گنبد امام رضا (ع)
→ اثر علیرضا عباسی

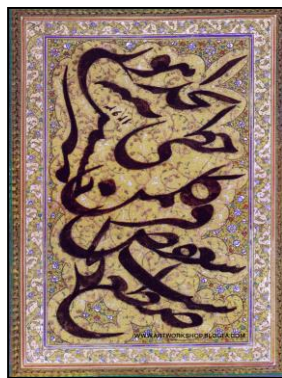


اثر پرویز تناولی ←



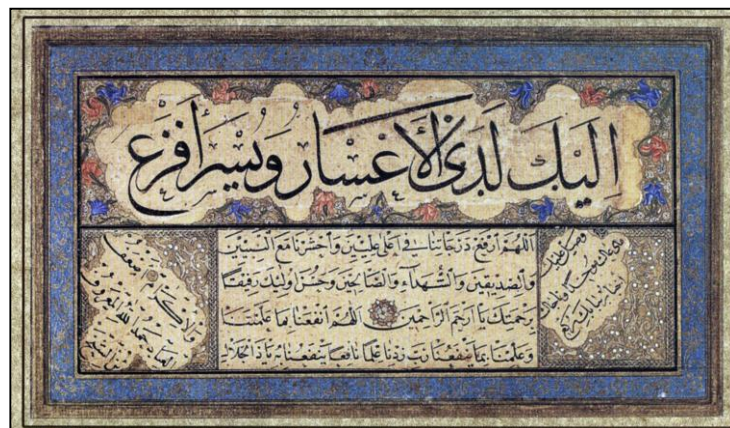
خط و قلم: مراد از «قلم»، شیوه‌ها و روشهایی است که در نوشتن یک خط به کار می‌رود و در حقیقت شاخه‌های یک خط معین است، در حالی که «خط» مجموعه حروفی است که در شکل خود، از اشکال دیگر خطوط مستقل و مجزاست؛ چون، خط عربی یا خط لاتین^۶. بنابراین «ثلث» و «نسخ» و «نستعلیق» را می‌بایست قلم به حساب آورد و صحیح آن است که بگوییم «قلم نستعلیق» و نه «خط نستعلیق».

وجه خط بسیط: منظور از «وجه خط بسیط» این است که در یک اثر خوشنویسی وجه خط متشکل از یک خط و یک قلم باشد. مثل اینکه وجه خط در یک اثر خوشنویسی متشکل از «خط فارسی و قلم نستعلیق» باشد، یا متشکل از «خط عربی و قلم نسخ» باشد، و یا متشکل از «خط لاتین و قلم کاپرلیت» باشد.



وجه خط مرکب: منظور از «وجه خط مرکب» این است که در یک اثر خوشنویسی وجه خط متشکل از چند خط و یا چند قلم باشد.

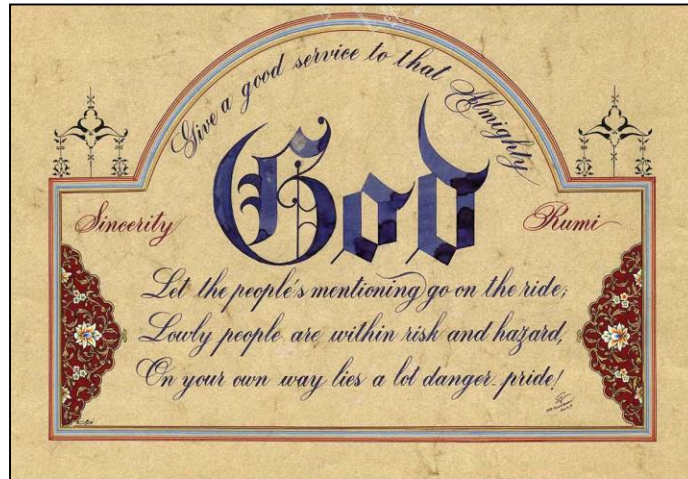
وجه خط مرکب همگن: هرگاه وجه خط در یک اثر خوشنویسی از یک خط و چند قلم تشکیل شده باشد، بدان «وجه خط مرکب همگن» گوییم. مثل اثر خوشنویسی زیر از حمدالله آماسی که خط آن عربی و ترکیبی از دو قلم ثلث و نسخ است.



اثر: حمدالله آماسی ←

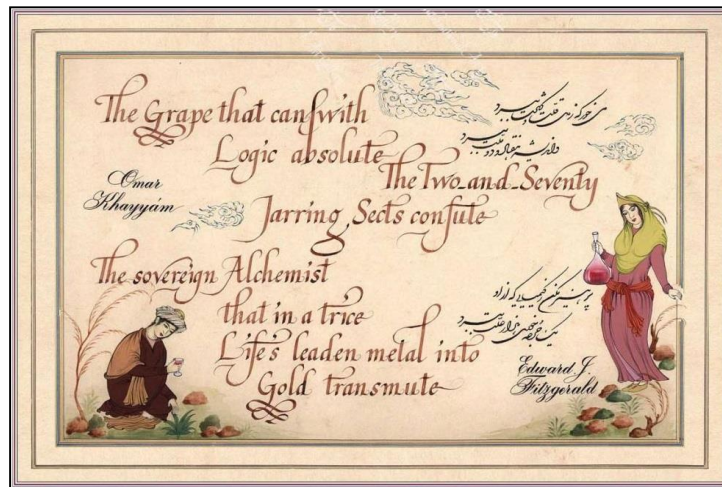
۶. سمسار، همان، ج ۲۳، ص ۲۰۶.

و یا این اثر که از خط «لاتین» و دو قلم «گوتیک» و «کاپرلیت» تشکیل شده است:



اثر: مجتبی کریمی ←

وجه خط مرکب غیر همگن: هر گاه وجه خط در یک اثر خوشنویسی از چند خط تشکیل شده باشد، بدان «وجه خط مرکب غیر همگن» گوییم؛ مانند اثر زیر ↓

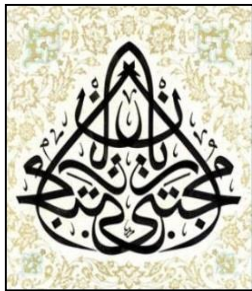


اثر: مجتبی کریمی ←

جهت: منظور جهت نگارش در خوشنویسی است که به جهت خط بستگی دارد. جهت نگارش انواع خطوط:

- الف. از چپ به راست: لاتین، سیریلیک، سانسکریت، ارمنی و ...
- ب. از راست به چپ: فارسی، عبری و ...
- ج. از بالا به پایین: چینی و ژاپنی.
- د. از پایین به بالا: مکزیکی.

جهت موافق و مخالف: اگر جهت نگارش در خوشنویسی موافق جهت خط باشد، بدان «جهت موافق» و در غیر این صورت بدان «جهت مخالف» گوئیم. در توأمان نویسی هر دو جهت موافق و مخالف قابل مشاهده است.



جهت موافق و مخالف ←

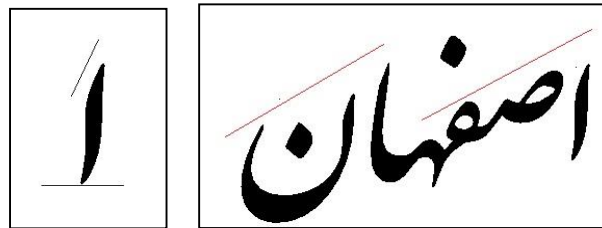


جهت مخالف ←

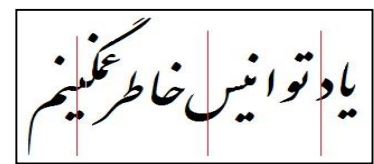
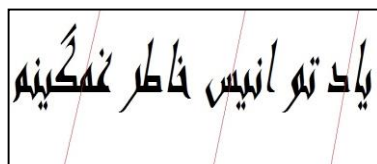
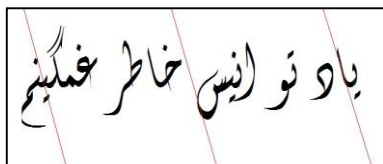


جهت موافق ←

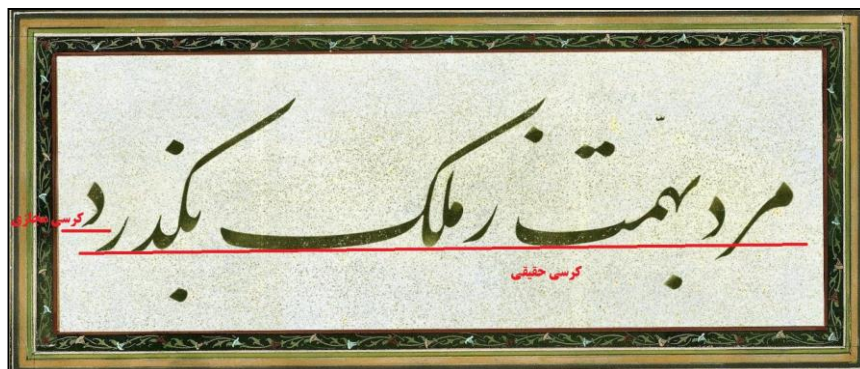
زاویه: شیب مفردات و مرکبات و وجه خط را «زاویه» گوئیم که بر دو قسم «صرفی» و «نحوی» است. شیب مفردات و مرکبات را به تنهایی و خارج از بافت جمله، «زاویه صرفی» گوئیم. مانند تصاویر زیر ↓



شیب مفردات و مرکبات در بافت جمله را «زاویه نحوی» گوئیم. مانند تصاویر زیر ↓



کرسی: خطی فرضی که مفردات و مرکبات و وجه خط بر روی آن می نشیند و به دو دسته «کرسی حقیقی» و «کرسی مجازی» تقسیم می گردد.

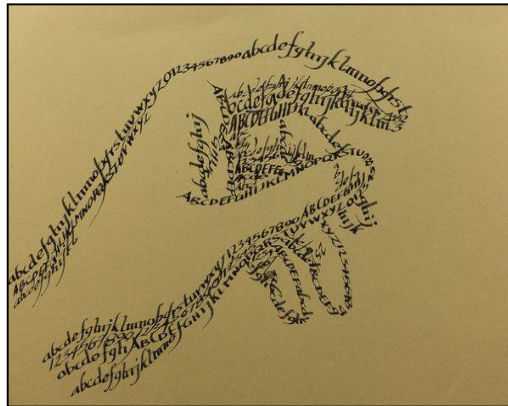


منسوب به: میرزا کاظم طهرانی ←

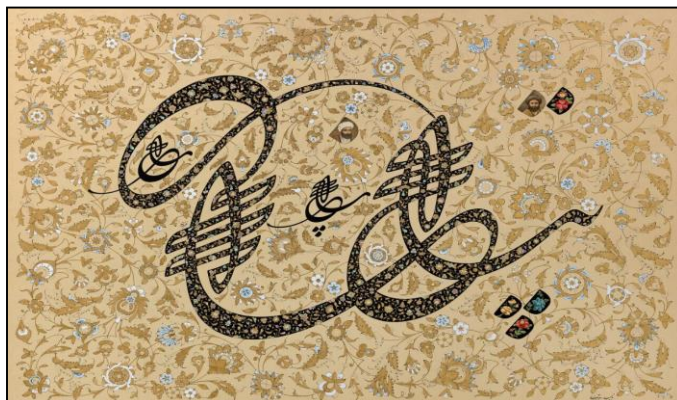
ارسال: رها کردن سر ابزار خوشنویسی در انتهای بعضی از مفردات یا مرکبات و جه خط را «ارسال» گوئیم.



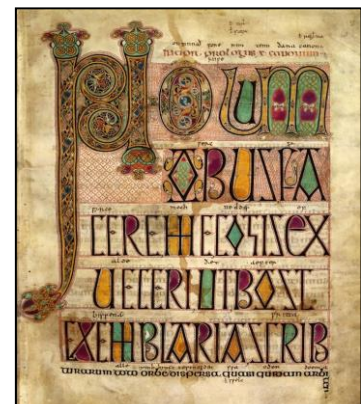
تجسیم: گونه‌ای اثر خوشنویسی که در آن مفردات و مرکبات و جه خط، به گونه‌ای کنار هم قرار می‌گیرد که شبیه انسان یا حیوان و یا اشیاء می‌گردند. این نوع اثر ممکن است بر روی کاغذ و یا بوم به گونه نقاشی خط اجراء شود.



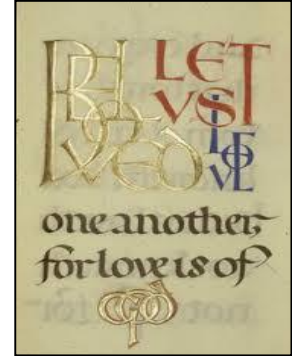
گلزار: گونه‌ای اثر خوشنویسی که در آن وجه خط را با گل اندازی و ساقه و برگ گیاهان تزیین می‌کنند.



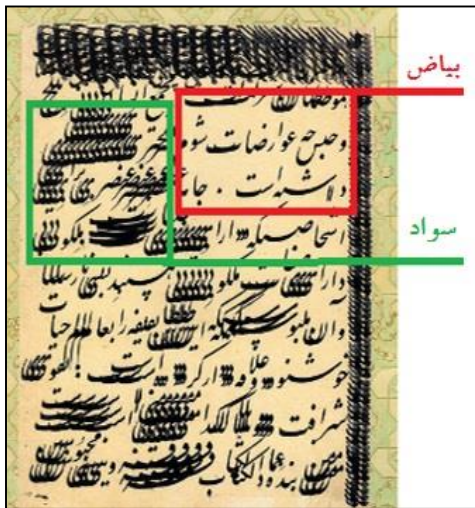
اثر: رضا ظریفیان ←



زرنویسی و رنگه نویسی: نگارش وجه خط یک اثر خوشنویسی با «طلا» یا «مربک الوان» را گوئیم.



سواد و بیاض: پیوستگی در بخشی از وجه خط را در یک اثر خوشنویسی «سواد» و برعکس آن، یعنی گسستگی در



بخشی از وجه خط در یک اثر خوشنویسی را «بیاض» می‌نامیم. در قالب سیاه‌مشق، که یکی از قالبهای مشهور خوشنویسی ایرانی است، سواد و بیاض نقشی مهم در ایجاد فضاهای مثبت و منفی اثر دارد. نمونه‌های بارز سواد و بیاض را در سیاه‌مشقهای میرحسین خوشنویسی‌باشی، میرزا غلامرضا اصفهانی، میرزا محمدرضا کلهر و عمادالکتاب می‌توان مشاهده کرد.

اثر: عمادالکتاب ←

جلوه: نمود و بروز دادن مفردات یا مرکبات در یک اثر خوشنویسی را «جلوه» گوئیم. اگر این جلوه با تغییر قلم باشد،

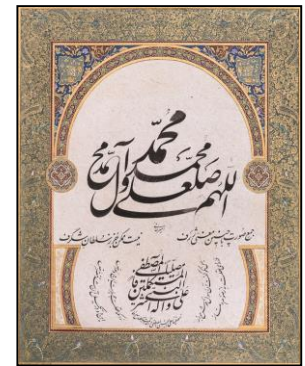
بدان «جلوه حقیقی» گوئیم. مانند آثار زیر ↓



اثر: امیراحمد فلسفی ↑



اثر: مجتبی کرمی ↑



اثر: غلامحسین امیرخانی ↑

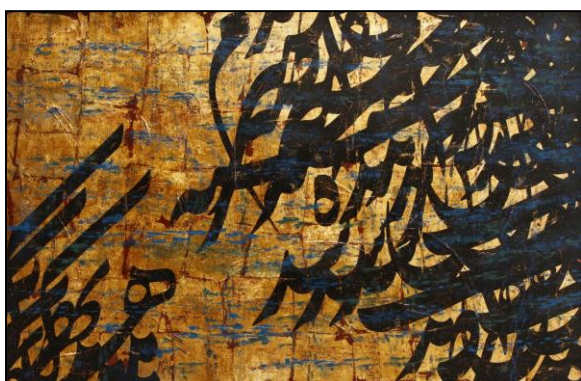


اما اگر این جلوه با همان قلم، یعنی بدون تغییر ابعاد قلم انجام گیرد، را «جلوه مجازی» گوئیم. مانند: حرف «ی» و «ه» در آثار روبه‌رو ←



هر دو اثر: علی شیرازی ←

بهره: موقعیت قرار گرفتن وجه خط (در وسط، گوشه و...) را در یک اثر خوشنویسی، «بهره» گوئیم.

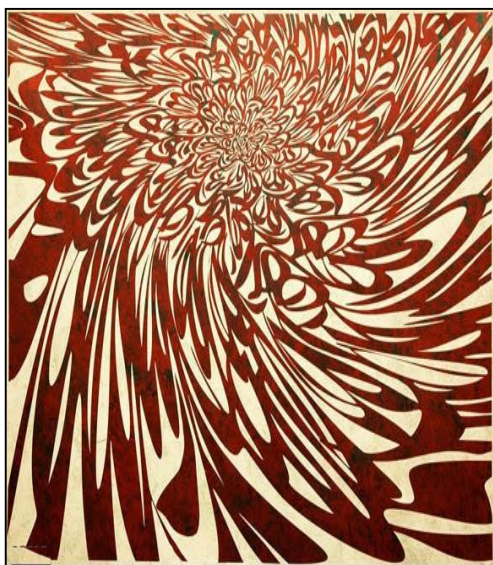


→ اثر: جلیل رسولی



اثر: رضا رینه‌ای ←

سبک یا شیوه: ویژگی‌های صوری که به یک اثر یا مجموعه آثار یک خوشنویس اختصاص دارد. **مکتب:** گاهی سبک یا شیوه یک خوشنویس نزد دیگر هنرمندان چندان مقبولیت می‌یابد که توسط شاگردان یا پیروان ایشان گسترش می‌یابد که بدان «مکتب» گوئیم. مانند مکتب کلهر در قلم نستعلیق در ایران، یا مکتب حمدالله آماسی در اقلام ثلث و نسخ در عثمانی.



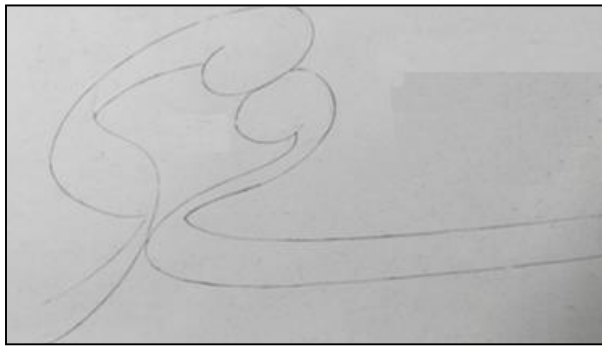
فرم و محتوا: «فرم» شکل و صورتی است که وجه خط و وجه غیر خط در تناسب با یکدیگر در یک اثر خوشنویسی ایجاد می‌کنند. «محتوا» پیام کلی و درک بصری یک اثر خوشنویسی است. امروزه محتوا در خوشنویسیهای معاصر، به ویژه در نقاشیخط و خوشنویسی حجمی نقشی مهم یافته است. برای توضیح بیشتر چند مثال آورده می‌شود: در اثر روبه‌رو نوعی جاذبه و کشش درونی به بیننده القاء می‌شود ←



در اثر مقابل نوعی موج و خروش به

بیننده القاء می شود ←

اثر: رضا مافی ←



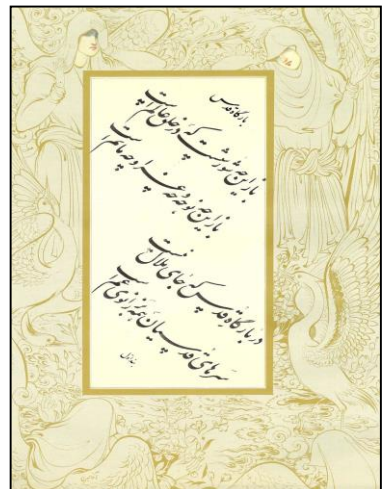
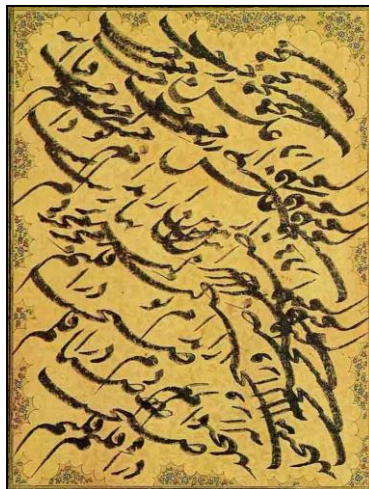
عنوان اثر: مهر ←

قالب: چهارچوبی خاص در خوشنویسی که وجه خط در آن می نشیند. از قالبهای مشهور در خوشنویسی ایرانی می توان به «سیاه مشق» و «چلیپا» و نیز از قالبهای مشهور در خوشنویسی عثمانی و ترکیه کنونی به «حلیه» اشاره کرد.

نمونه حلیه از حافظ عثمان

نمونه سیاه مشق از محمدرضا کلهر

نمونه چلیپا از غلامحسین امیرخانی



نقاشیخط (نقاشی خط): گونه‌ای نوپا از خوشنویسی که در آن ابتدا وجه خط را ترسیم می‌کنند و سپس با رنگ و تکنیکهای نقاشی پوشش می‌دهند.



علی شیرازی، هنرمند معاصر، در حال اجرای یک تابلوی نقاشیخط ←

خط و نقاشی، گونه‌ای اصیل از خوشنویسی که وجه خط را مستقلاً با ابزار نگارش مثلاً قلم نی (قلم مخصوص نگارش خوشنویسی عربی و فارسی) یا قلم فلزی (مخصوص نگارش خوشنویسی لاتین) یا قلمو (مخصوص نگارش خوشنویسی ژاپنی و چینی) می‌نویسند و با نقاشی درآمیخته می‌کنند.



اثر: عبدالرحیم
عبرین قلم ←

اصطلاحاتی که مرور شد، از مقایسه خوشنویسهای مختلف استخراج شده است. بدیهی است که از دقت و تأمل در خوشنویسهای مختلف می‌توان به نقاط مشترک و اصطلاحات بسیاری دست یافت و به گنجینه دانش نوپای

«خوشنویسی‌شناسی» افزود. لازم به توضیح است که برخی از اصطلاحات ممکن است ناظر بر تمام انواع خوشنویسی و برخی دیگر صرفاً ناظر بر انواع خاصی از خوشنویسیها باشد.

بخش سوم - نتیجه‌گیری

۱. از دقت و تأمل در خوشنویسهای مختلف (اسلامی، ایرانی، لاتین، چینی و ژاپنی و ...) می‌توان به وجوه و نقاط مشترک بین آنها دست یافت و موضوع دانش جدیدی به نام «خوشنویسی‌شناسی» قرار داد.
۲. با ایجاد دانش خوشنویسی‌شناسی، منبعی می‌توان کلیه مطالعات و پژوهشهای خوشنویسی را در این حوزه متمرکز کرد و دیگر به خوشنویسی به عنوان یک هنر جهانی و نه صرفاً یک هنر بومی، نگریست.
۳. با ایجاد دانش خوشنویسی‌شناسی، راه برای مطالعه تطبیقی خوشنویسیهای مختلف هموار و میسر می‌شود و امکان گفتگو بین خوشنویسیهای مختلف فراهم می‌گردد.
۴. خوشنویسی‌شناسی می‌تواند به عنوان یک رشته دانشگاهی با گرایشهایی چون خوشنویسی اسلامی - ایرانی و ... تدریس شود.
۵. با خوشنویسی‌شناسی بهتر می‌توان ظرافتها و شاهکارهای هنر خوشنویسی را درک کرد و از ظرفیتهای خوشنویسیهای دیگر آگاه شد و در جهت غنی‌سازی خوشنویسیهای ملی و بومی بهره جست.
۶. با خوشنویسی‌شناسی، دیدگاه ما نسبت به خوشنویسیهای مختلف تغییر می‌کند و از تعصب و انحصارطلبی در گونه‌ای خاص از خوشنویسی می‌کاهد.
۷. با خوشنویسی‌شناسی، امکان جهشها و قدمهای دیگری چون روانشناسی خوشنویسی و ... میسر می‌شود.

مآخذ: افسری، حمیدرضا، «خوشنویسی در شبه‌قاره»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۹۶ش، ج ۲۳؛ همو، «خوشنویسی در عثمانی»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۹۶ش، ج ۲۳؛ ایرانی، عبدالحمید، پیدایش خط و خطاطان، تهران، یساولی، ۱۳۶۳ش؛ سمسار، محمدحسن، «خوشنویسی در ایران»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۹۶ش، ج ۲۳؛ فضائی، حبیب‌الله، اطلس خط، اصفهان، ۱۳۶۲ش؛

نیز اسامی برخی از هنرمندانی که به آثار آنها در مقاله ارجاع شده است: میرعماد قزوینی، علیرضا عباسی؛ محمدصالح اصفهانی، عبدالرحیم عنبرین قلم، حمدالله آماسی، حافظ عثمان، سیدعلی اکبر گلستانه، میرحسین خوشنویس‌باشی، میرزا غلامرضا اصفهانی، میرزا کاظم طهرانی، میرزا محمدرضا کلهر، عمادالکتاب قزوینی، غلامحسین امیرخانی، محمد احصایی، رضا مافی، پرویز تناولی، جلیل رسولی، نصرالله افجه‌ای، علی شیرازی، امیراحمد فلسفی، جواد بختیاری، حمیدرضا قلیچ‌خانی، کوروش شیشه‌گران، رضا رینه‌ای، رضا ظرفیان، مجتبی کرمی، عباس رفیعی فرهانی، عبدالرضا اثنی‌عشری.

سید محمدتقی آذربایکانی

۸۵ قوس

که را فسی طوئوس که در دایره الدار
 زرگ اسکی استولند در ماره خوشنویس
 و طاعت بر طبق آن نظر آید دارد نه

تایید کنم یک خواجه خردستان
 معنی گویند که مصفا با هم صحبت میکنند
 حیف که در سینه آن است

ایرج

توصیه نامه زنده یاد ایرج افشار بعد از اینکه در سال ۱۳۸۵ ش طرح ابتدایی خود را درباره «خوشنویسی شناسی» با ایشان مطرح کردم.



حمیدرضا افسری، پژوهشگر و خوشنویس.

در ۱۳۵۸ش/۱۹۷۹م در تهران متولد شد. از ۱۰سالگی، خوشنویسی قلم نستعلیق را به شکل خودآموخته و با مشق از روی آثار کلهر و عمادالکتاب، و چندی نزد آقای

محمد پرویزی آموخت. در ۱۳۷۷ش به استخدام مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی درآمد و سپس، همکاری خود را با بخش هنر این مرکز ادامه داد که حاصل آن پژوهش و تألیف چندین مقاله در حوزه خوشنویسی و خوشنویسان برای *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی* و ترجمه انگلیسی آن (*Encyclopaedia Islamica*) و *دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره و دانشنامه جهان اسلام* و ... بود. فعالیت در دو حوزه خوشنویسی و خوشنویسی پژوهی، ذهن وی را به سوی دانشی جدید به نام «خوشنویسی شناسی» رهنمون ساخت و این ایده را شخصاً پی گرفت. اکنون حاصل این کوشش را به شکل مقاله‌ای مختصر و روان عرضه داشته تا اگر مطلوب اهل هنر قرارگیرد، مباحث آن را بسط دهند و تکمیل کنند. به سخن حافظ: «کلک مشکین تو روزی که ز ما یاد کنند».